

**Providing a Model for the optimal use of Mobile Phone Social Networks with Emphasis on the Cultural Identity of Students****Ali Mirbeyk sabzevari, Faezeh Taghipour, Reza Smaili**¹Ph.D. Student of Media Management, Department of Management, Faculty of Islamic Governance, Islamic Azad University Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran²Associate Professor, Department of Communication Sciences and Business Management, Faculty of Humanities and Law, Islamic Azad University Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran³Assistant Professor, Department of Management, Faculty of Islamic Governance, Islamic Azad University Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran**Abstract**

The present research aimed to investigate the optimal use of mobile phone social networks with an emphasis on the cultural identity of students for providing models. The research was developmental in terms of outcome, exploratory in terms of purpose, and had the field type in terms of strategy. The research methodology had a qualitative type. The statistical population consisted of university professors in culture and media. Theoretical sampling and then the snowball technique was used for conducting interviews. The open, axial, and selective data coding methods were used, and 300 codes were identified in the initial coding stage, then 198 codes were identified in the second stage of open coding, and 37 codes were identified in 5 categories in the axial coding stage (causal, underlying, and intervention conditions, strategy, consequences), and finally, a model was provided in selective coding. The grounded theory and MAXQDA 2018 software were used to analyze data and convert them into usable information in the model. Based on the research findings, it is necessary to create a suitable basis for familiarizing and consolidating the pillars of identity formation among young people, especially students.

Keywords: Identity, Cultural identity, Social networks, Mobile phone, Grounded theory

توانمندسازی کاربر دانش آموز با رویکرد تربیت مجازی

علی میربیک سبزواری، فائزه تقی‌پور*، رضا اسماعیلی

^۱دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت رسانه‌ای، گروه مدیریت، دانشکده حکمرانی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

^۲دانشیار گروه علوم ارتباطات و مدیریت کسب و کار، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

^۳استادیار گروه مدیریت، دانشکده حکمرانی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی زمینه‌های موثر بر توانمندسازی کاربران دانش آموز در شبکه‌های اجتماعی است که مبتنی بر رویکرد تربیت مجازی و به دست آوردن راهبردهایی عملیاتی جهت اتخاذ شیوه‌هایی جدید در آموزش دانش‌آموزان با هدف استفاده مطلوب از شبکه‌های اجتماعی مدنظر قرار گیرد. این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی بوده که با استفاده از نظریه داده‌بنیاد انجام شد. جامعه آماری این پژوهش، معلمان مدارس ابتدایی، اساتید دانشگاه در رشته‌های علوم تربیتی، ارتباطات و رسانه و متخصصان در حوزه رسانه و فضای مجازی بودند که با استفاده از نمونه‌گیری نظری و با ابزار مصاحبه‌ی عمیق نیمه ساختار یافته به صورت رودرو از تعداد ۳۱ نفر به عنوان مشارکت‌کننده، داده‌ها جمع‌آوری شد. پژوهشگر با استفاده از مقوله‌های به دست آمده، طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی، توانمندسازی کاربرانش آموز را به عنوان پدیده محوری مورد مطالعه قرار داد و شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، پیامدها و راهبردها را استخراج و دسته‌بندی نمود. جهت اطمینان از روایی و پایایی پژوهش، مصاحبه‌ها با بعضی از افراد چندین بار تکرار و نتایج حاصل از کدگذاری در چندین مرحله به رویت چند تن از اساتید مجرب و همچنین خود مصاحبه‌شونده‌ها رسید و در این بین از گروه‌های کانونی که متشکل از شرکت‌کنندگان در پژوهش بود، نیز چندین بار استفاده گردید. بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش، تقویت مهارت‌های چندبعدی کاربران، آموزش خودمحور، برنامه‌ریزی و تنوع‌گرایی در تولید محتوا و توانمندسازی کاربر دانش‌آموز با رویکرد خودکارآمدی از مهمترین مفاهیم بدست آمده بود.

کلید واژگان: توانمندسازی کاربرانش آموز، تربیت مجازی، خودکارآمدی دانش آموز، مهارت چندبعدی

مقدمه

تربیت مفهومی پرچالش و فراگیر در زندگی بشر است که همیشه جزو مقوله‌های اصلی در زندگی یک انسان سالم از لحاظ فردی و اجتماعی از آن نام برده می‌شود؛ موضوع تربیت، انسان است که آرمان و هدف نهایی او رسیدن وی به کمال و تعالی است و رسیدن به این هدف به ساز و کارهای ویژه و پیچیده‌ای نیاز دارد. تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای انسانی در جهت مطلوب؛ به وسیله تربیت استعدادهای انسان شکوفا و نظام ارزشی و اهداف انسان هدایت می‌شود (Farmahini Farahani et al, 2010).

از این رو فیلسوفان و جامعه‌شناسان و عالمان علوم تربیتی با گرایش‌های مختلف، اقدام به تعریف تربیت کرده‌اند به گونه‌ای که به ندرت می‌توان به تعریف واحدی دست یافت؛ افلاطون تربیت را عبارت از رساندن جسم و روح به بالاترین پایه کمال و جمال می‌داند؛ به نظر اسپنسر تربیت مهیا کردن انسان است برای زندگی کامل؛ ژان آموس کمینوس می‌گوید: آموزش و پرورش هنری است که افراد را برای زندگی آماده می‌کند و هدف این است که فرد دارای دانش، اخلاق و دین شود؛ دورکیم در این خصوص می‌گوید: تربیت عملی است که نسل‌های بزرگسال بر روی نسل‌هایی که هنوز برای زندگی اجتماعی پخته نیستند انجام می‌دهند و هدف آن این است که در کودک شماری از حالات جسمانی و عقلانی و اخلاقی را برانگیزانند و فرد را برای محیط سیاسی که اقتضاء می‌کند آماده کنند (Gharaee, 2016).

محمد تقی جعفری به عنوان یک فیلسوف شرقی هم تربیت را اینگونه تعریف می‌کند؛ تربیت یعنی پرورش همه جنبه‌های فکری و عاطفی و جسمی و اجتماعی فرد و ساماندهی رفتارهای او بر اساس مبانی و دستورهای اسلامی برای تحقق هدفهای اسلام در زمینه‌های گوناگون زندگی (Jafari, 2018).

خسرو باقری به عنوان یکی از صاحب نظران معاصر

در این حوزه نیز بیان می‌دارد که تربیت اسلامی یعنی شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و تن دادن به ربوبیت او و چشم بستن از غیر او (Bagheri, 2016).

اما در نهایت نیز کسانی بر این باورند که مراد از تربیت همان مفهوم اجتماعی شدن است اما این مفهوم بی نهایت بزرگ همیشه تحت تأثیر عواملی شناخته شده از جمله محیط، همسالان، خانواده و ... قرار می‌گیرد. رایزمن^۱ معتقد است تربیت فردی در مرحله نخست از طریق حماسه‌ها و افسانه‌ها و اسطوره‌ها شکل می‌گیرد که به صورت شفاهی به افراد منتقل می‌شود، در مرحله دوم تربیت از طریق کتاب و آموزش مکتوب منتقل می‌شد (Mahdi zadeh, 2017) و در مرحله سوم وسایل ارتباط جمعی هستند که افراد را می‌سازند، آن هم نه در میان خانواده و یا در گوشه عزلت بلکه در میان گروه دوستان و همسالان؛ این آموزش در تمام طول زندگی انسان تداوم می‌یابد (Sarokhani, 2016).

رایزمن می‌گوید رسانه‌ها نقش معلمان خصوصی فرزندان ما را بازی می‌کنند. براین اساس رسانه‌ها نقش سازنده‌ای بر شخصیت و تربیت افراد دارند و بخشی از مرحله جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن را به دوش می‌گیرند (Dadgaran, 2017).

فضای مجازی و بطور کلی وسایل ارتباط جمعی به عنوان جلوه‌ای از بروز رسانه با انتشار اطلاعات، آگاهی‌ها و دانستنی‌های نوین، آموزش رسمی را از انحصار مدارس، آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها خارج کرده‌اند و در پاره‌ای موارد در کنار تلاش‌های دانش‌آموزان، معلمان و استادان بدون هیچ محدودیت زمانی، مکانی، سنی و جنسی آموزش انسان‌ها را در جامعه بر عهده می‌گیرند و باید گفت که رسانه‌ها تأثیر عمیقی در تعلیم و تربیت دارند (Mo'tamednejad, 2012).

با ظهور فضای مجازی و نفوذ در سبک زندگی فردی و اجتماعی افراد، به تدریج این بحث قوت پیدا کرد که "فضای مجازی هم پس از رسانه می‌تواند بر تربیت اثر بگذارد و حتی با نگاهی عمیق‌تر می‌تواند گفت حضور

¹ Riesman

تربیتی رسانه، این مهمان ناخوانده در حوزه تربیت را در پازل عملیاتی خود مشخص کرده و متناسب با نوع و کارکرد های رسانه و ابزارهای دیجیتال بهترین بهره کشی را از آنها در تربیت نسل آینده به عمل آورد؛ اما با حرکت شتابان علم و پیشرفت جنون آمیز فناوری های ارتباطی و استفاده وسیع از رسانه های دیجیتال در بین دانش آموزان، به نظر می رسد مدارس دچار یک سردرگمی در عرصه تعلیم و تربیت شده اند و این می تواند نتایج نامطلوبی به همراه داشته باشد؛ با ظهور رسانه های پیشرفته و فناوری مدرن همچون ماهواره، رایانه شخصی، موبایل و... که همگی نقش آموزشی و تربیتی را دارا هستند، میزان کنترل مدارس بر آموخته ها کمتر شده و کیفیت و جهت گیری های آموزشی و تربیتی نیز کاهش یافته است و مدارس رقبای جدیدی را شاهد هستند و باید اذعان کرد که دیگر تعلیم و تربیت محدود به مکانی به نام مدرسه نیست (Sarmadi, 2015).

از سویی دیگر، در سند نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز بر این مفهوم تاکید شده است که در جامعه فعلی، با مدارس سنتی نمی توان دانش آموختگان را برای آینده آماده کرد و برای اینکه دانش آموختگانی دانا، توانا و متعهد در عرصه های داخلی و بین المللی داشته باشیم نه تنها نیازمند تحول در تمامی عرصه های تعلیم و تربیت هستیم بلکه مفهوم مدرسه نیز نیازمند بازتعریف و تحول اساسی است و مطابق با محورهای ارایه شده در برنامه تعالی مدیریت مدرسه، مدارس متعالی هزاره کنونی باید با ایجاد فضایی شاداب، شرایط ایمن را برای پرورش و شکوفایی استعداد های دانش آموزان مورد توجه قرار داده و با آموزش های عملی خود حس مسوولیت پذیری و مشارکت فعالانه در جامعه را در آنها ایجاد و نهادینه کنند (Mohebi, 2015).

از جمله موضوعات مهم در دوران معاصر تغییرات و دگرگونی هایی است که در حوزه یادگیری و تعلیم و تربیت ایجاد شده است؛ به همین دلیل نقش فضای مجازی پیرامون آموزش و پرورش نوین، از منظر

استقلال طلبانه کاربر در شبکه های اجتماعی می تواند به صورت یک تربیت کننده ی قوی ایفای نقش کند و به تعبیری دیگر بحث تربیت رسانه ای و اکنون تربیت مجازی از حالت فانتری به مفهومی عمومی و اجتماعی تبدیل شد و جزو دغدغه های اصلی فعالان عرصه ی تربیت، مربیان تربیتی، مدیران مدارس، معلمان و والدین قرار گرفت. از سوی دیگر در بررسی مباحث مربوط به نحوه استفاده از فضای مجازی بحث توانمندسازی کاربران شبکه های اجتماعی مورد توجه است. توانمندسازی به عنوان فرآیندی تعریف می شود که در آن فرد، افراد، گروهها و سازمانها بر مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه هستند، کنترل پیدا کنند که با مفهوم خودکارآمدی رابطه بسیار نزدیکی داشته و حتی می توان این دو واژه را با یک مفهوم تعبیر کرد (Mohades, 1402). به همین دلیل توجه به تربیت مجازی مبتنی بر توانمندسازی کاربران دانش آموز ضرورت می یابد تا براساس آن دانش آموز به کاربر توانمندی تبدیل شود، که بتواند در مواجهه به هر نوآوری مجازی یا رسانه ای دیگری خود را هماهنگ کند و براساس رویکردهای تربیتی، از مفاهیم نهفته در رابطه با آن موضوع استفاده کند.

با توجه به تغییرات پرشتاب در عرصه های مختلف دنیای امروز، نهاد آموزش و پرورش نیز که جزو نهادهای تأثیر گذار در فرایند تربیت کودکان و نوجوانان می باشد نیازمند تحول و توجهی دوصد چندان است تا بتواند وظایف اساسی خود را در آموزش و پرورش نسل فردای کشور به گونه ای بایسته و شایسته انجام دهد به طوری که حتی این مهم در "سند تحول بنیادین آموزش و پرورش" با عنوان "بهبودی و تحول در نظام برنامه ریزی آموزشی و درسی و زیرساخت های کالبدی" مطرح شده است (Hashemi, 2014).

مساله تربیت مجازی در مدیریت بر سازمان های آموزشی به ویژه بر مدارس، در قرن بیست و یکم مهم تر نیز شده است (Simpkins et al, 2006). مدارس و سبک مدیریتی حاکم بر آنها به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر تربیت قشر دانش آموز، همواره در تلاشند که نقش

می‌توان به ضرورت انجام این پژوهش در رسیدن به استراتژی‌ها و زمینه‌ها ی مؤثر بر مقوله محوری توانمندسازی دانش آموزان با رویکرد تربیت مجازی پی برد و بتوان با ارایه این الگو برآموزش غیررسمی در تربیت نسل جدید دانش آموزان، که با رسانه به دنیا می‌آیند و با فضای مجازی روزگار می‌گذرانند، تاثیر گذاشت.

چهارچوب مفهومی پژوهش

چهارچوب مفهومی این پژوهش بر نظریه‌های آلبرت باندورا و دیوید رایزمن و چارلز کولی استوار است. در مورد چگونگی تأثیر رسانه‌ها بر رفتار افراد و تربیت آنها نظریه‌های گوناگونی گسترش یافتند. در بین نظریه‌هایی که در جست‌وجوی تشریح تأثیر رسانه‌ها بر رفتار هستند، از نظریه یادگیری اجتماعی به عنوان یک عامل غیرمستقیم در مورد اثرگذاری پیام‌های رسانه‌ای بر رفتار مخاطبان می‌توان نام برد.

در اوایل دهه ۱۹۶۰، روان‌شناس اجتماعی، آلبرت بندورا نظریه‌ای بازنگری شده در مورد نظریه یادگیری اجتماعی و یا نظریه الگوسازی مشاهده‌ای ارائه داد که نظریه قدرتمندتری برای توضیح یادگیری تقلیدی یا مشاهده‌ای است؛ بندورا معتقد بود بهترین روش برای آموزش رفتارهای جدید به ویژه برای کودکان این است که رفتاری را که می‌خواهید کودک بیاموزد، به وی نشان دهید؛ آلبرت باندورا در نظریه خود این‌گونه اشاره می‌کند که مهم‌ترین نوع یادگیری انسان، یادگیری مشاهده‌ای است که همان تقلید یا سرمشق‌گیری است، فرد با انتخاب یک الگو یا سرمشق، به تقلید رفتار آن می‌پردازد؛ بندورا، این نوع یادگیری را در چهار مرحله توضیح می‌دهد: مرحله توجه، به یاد سپاری، بازآفرینی و انگیزشی؛ براساس نظر او یادگیری فرد از طریق مشاهده صورت می‌گیرد، او ضمن مطالعات خود مدلی را برای یادگیری ارائه می‌دهد، وی این مدل را به نام یادگیری مشاهده‌ای معرفی کرده است، برطبق این الگو چهار فرایند بر یادگیری مؤثرند: (۱) مرحله توجهی؛ (۲) مرحله به یاد سپاری؛ (۳) مرحله بازآفرینی؛ و (۴) مرحله انگیزشی که با توجه به اینکه یکی از کارکرد های

جایگاه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مبحثی چالش برانگیز در یادگیری است و اهمیت این موضوع وقتی دوچندان می‌شود که عامه مردم در تماس مستقیم با این فضای مجازی قرار دارند، زیرا فضای مجازی از یک سو رقیب اطلاعاتی و علمی فعالیت‌های آموزشی در حوزه آموزش و پرورش و از سویی دیگر زمینه ساز چالش‌های فکری و عملی در بین آحاد اجتماعی جامعه هستند (Hoseinzade & Mouhammadi, 2010).

فضای مجازی و حضور مستمر در شبکه‌های اجتماعی نه تنها توانسته در حوزه تربیت خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان تاثیر گذار باشد (و آنرا نیز به مدارس منتقل کند) بلکه توانسته است در حوزه آموزشی نیز تغییرات شگرفی در سبک، نوع و چگونگی ارایه آموزش در مدارس ایجاد کند. این تغییر به تدریج در حوزه شناختی و معنایی دانش آموزان نیز رسوخ پیدا کرده است؛ بدین معنا که دانش آموزان را به اقیانوسهایی وسیع با عمقی کم تبدیل کرده است. دانش آموزانی که باتوجه به درگیر شدن با شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی افتهای شدید تحصیلی و بالتبع آن تنش‌های شدید روحی و روانی پیدا کرده‌اند و به شخصیت‌هایی درونگرا تبدیل شده‌اند، امروزه همه براین باورند که تربیت کردن و به ثمر رساندن یک انسان، بسیار مهم‌تر از آن است که معلوماتی را به او بیاموزند بدون آنکه قدرت و درک صحیحی از کاربرد آن در زندگی داشته باشد. از طرفی آینده هر جامعه‌ای در گروی تربیت صحیح انسانهای تشکیل دهنده آن است که با رشد لجام گسیخته و قدرت روز افزونی که فضای مجازی در سبک زندگی جامعه پیدا کرده باید پذیرفت که دیگر روشهای تربیتی گذشته کارکرد مناسب را جهت تربیت نسل جدید از دست داده و باید در این زمینه اقدامی صورت پذیرد (Mehrani, 2017). از این رو با توجه به این حجم از تأثیر و قدرت فضای مجازی در تربیت و شکل دهی به تفکرات انسان و نبود مدلی برای مواجهه فعال در این عرصه و ایجاد تغییر در سبک آموزش غیررسمی با تمرکز بر حضور همگان در فضای مجازی و حتی معلمان به عنوان پیشگامان مراکز تربیتی در جامعه،

(Dadgaran, 2017).

این آموزش در تمام طول زندگی انسان تداوم می‌یابد. روزنامه، رادیو و تلویزیون دائماً این افراد کلیشه‌ای و متحدالشکل توده‌ی تنها را هدایت می‌کنند و رفتار آنها را نظم می‌بخشند و این دقیقاً همانی است که در تربیت رسانه‌ای اتفاق می‌افتد و به همین دلیل است که این نظریه یکی از مبانی نظری این پژوهش قرار گرفت.

یکی دیگر از مبانی نظری این پژوهش نظریات چارلز کولی در خصوص اجتماعی شدن و جامعه پذیر شدن افراد است چرا که در جهان غرب تربیت را از منظر برابر با اجتماعی شدن می‌دانند و به همین خاطر از مبانی نظری این نظریه پرداز در این پژوهش استفاده گردید. از نظر چارلز کولی در مرحله جامعه پذیری مجدد، رسانه‌ها نقش اصلی را به عهده می‌گیرند. وی مهمترین عوامل جامعه پذیری را خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه‌های ارتباط جمعی می‌داند؛ این وسایل شامل روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره، تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات و اینترنت و... است. وسایل ارتباط جمعی دارای ویژگی‌هایی مانند پیام‌گیران ناآشنا، سرعت عمل زیاد و تکثیر پیام هستند (Dadgaran, 2017).

گونه شناسی کاربران شبکه‌های اجتماعی

بر اساس پژوهش‌های انجام شده گونه شناسی تجربی کاربران فضای مجازی در جدول زیر به صورت خلاصه منعکس شده است:

جدول ۲. گونه شناسی کاربران رسانه‌های اجتماعی

گونه‌شناسی	تکنیک مورد استفاده	معیارها	پژوهشگر
۱. بازیگران نقش: ^۱ از اینکه متفاوت از خود واقعی و به جای دیگران باشند لذت می‌برند. ۲. رابطه جویان: ^۲ به دنبال برقراری روابط واقعی هستند. ۳. دستکاری کنندگان: ^۳ به دنبال سوء استفاده از پول یا آیت‌های دیگر کاربران هستند.	تحلیل خوشه‌ای	انگیزه‌ها	Kaur (2021)

رسانه معرفی الگوها به مخاطبان خود و آموزش به آنان می‌باشد این نظریه یکی از مبانی نظری این پژوهش قرار گرفت (McQuail, 2006).

از طرفی رایژمن در نظریه‌ی خود عنوان می‌کند که در سه مرحله از زندگی اجتماعی یعنی ۱- جامعه باستانی یا سنتی (انسان از سنت هدایت شده) ۲- جامعه فردگرایی (جامعه از درون هدایت شده) ۳- جامعه مصرف و فراوانی (از برون هدایت شونده)، سه نوع انسان و متناسب با آن وسایل ارتباطی و بیان جمعی نقش بسیار مهمی ایفا کرده‌اند، از دیدگاه او تربیت فردی در مرحله نخست، از طریق حماسه‌ها و افسانه‌ها و اسطوره‌ها شکل می‌گیرد که به صورت شفاهی به افراد منتقل می‌شود و نقش این نوع تربیت همزمان، هم سنت‌ها را متذکر می‌شوند و هم نشان می‌دهند چطور قهرمانان بزرگ و استثنایی می‌توانند جاودانه شوند. در مرحله دوم یعنی مراحل هدایت از درون، انتقال میراث فرهنگی از طریق نوشتار به ویژه چاپ که انگاره‌های فردی را رواج می‌دهند، انجام می‌گیرد. در مرحله سوم، یعنی مرحله‌ای که اکنون در برابر چشمان ما آغاز شده است، این وسایل ارتباط جمعی هستند که افراد را می‌سازند، آن هم نه در میان خانواده و یا در گوشه‌ی عزلت، بلکه در میان گروه دوستان و همسالان، رایژمن می‌گوید: رسانه‌ها نقش معلمان خصوصی فرزندان ما را بازی می‌کنند؛ براین اساس رسانه‌ها نقش سازنده‌ای بر شخصیت و تربیت افراد دارند و بخشی از مرحله جامعه پذیری و اجتماعی شدن را به دوش می‌گیرند

³ . Manipulators

¹ . Role-players

² . Relationship seekers

<p>۴. موفقیت‌گرایان: ^۱ به دنبال کسب و کار خود و به دست آوردن پول یا خلق آن هستند.</p> <p>۵. دوستی‌جویان: ^۲ به دنبال دوستان اینترنتی خوب و مکالمه با آنها هستند.</p> <p>۶. کناره‌گیران: ^۳ از هیچ کدام از جنبه‌های رسانه‌های اجتماعی لذت نمی‌برند.</p> <p>۷. فراری‌ها: ^۴ برای فرار از مسائل واقعی و استرس به رسانه‌های اجتماعی رو می‌آورند</p>			
<p>۱. فن‌آوران: ^۵ نیازهای اطلاعاتی بالا و مشارکت تعاملی بالایی دارند.</p> <p>۲. اطلاعات‌جویان: ^۶ نیاز اطلاعاتی بالا و مشارکت تعاملی کمی دارند.</p> <p>۳. اجتماعی‌کننده‌ها: ^۷ مشارکت تعاملی بالا و نیازهای اطلاعاتی کمی دارند.</p> <p>۴. کم‌کاران: ^۸ نیاز اطلاعاتی کم و مشارکت پایین دارند.</p>	<p>تحلیل خوشه‌ای و عاملی</p>	<p>میزان مشارکت تعاملی مقدارنیاز اطلاعاتی</p>	<p>Gangwani Alruwaili (2021)</p>
<p>۱. کاربران خویشتن‌دار: ^۹ از رسانه‌های اجتماعی به مثابه ایمیل استفاده می‌کنند.</p> <p>۲. کاربران نوگرا: ^{۱۰} گاهی زیر عکس‌های دوستانشان کامنت می‌گذارند و درباره کامنت‌های ارسالی بحث می‌کنند.</p> <p>۳. کاربران همه‌کاره: ^{۱۱} تقریباً هم نوع فعالیت آنلاین را به صورت نسبتاً سطحی انجام می‌دهند. عکس به اشتراک می‌گذارند. پیام‌های خصوصی و عمومی می‌گذارند. پروفایلشان و را به روز رسانی می‌کنند. ایده‌ها و نظراتشان را به دیگران منعکس می‌کنند و لینک‌ها را امتحان می‌کنند.</p> <p>۴. کاربران حرفه‌ای-ارتباط‌گر: ^{۱۲} فعال‌ترین گروه از کاربران هستند و فعالیت‌های متعدد آنلاین را در حجم قابل توجه با تخصص بالایی از رسانه اجتماعی استفاده می‌کنند.</p>	<p>تحلیل خوشه‌ای</p>	<p>میزان مشارکت تعداد فعالیت‌های میزان مشارکت شیوه مشارکت فراغت محور آنلاین اطلاعات محور</p>	<p>Li Yonghui (2020)</p>

پیشینه پژوهش

که با توجه به افزایش جمعیت و پیشرفت تکنولوژی، جوامع در حال پیشروی به سمت صنعتی شدن هستند از این رو برای زندگی در اینگونه جوامع، تطبیق شرایط خود با شرایط مربوط به داشتن دانش فراوان امری

بخشی و همکاران (Bakhshi et al, 2014) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی پیامدهای تکنولوژی‌های نوین ارتباطی بر فرآیند یادگیری» این‌گونه بیان می‌کنند

1 . Achievement seekers

2 . Friendship seekers

3 .Uninvolved

4 . Escapists

5 . Social media technology (smt) mavens

6 . Info seekers

7 . Socializers

8 . Minimally involved

9 . Introvert user

10 .Novel user

11 . Versatile

12 . Expert-communicator

اجتماعی در میان مردم به وجود می آید؛ در نتیجه، جامعه بهتر می تواند به اهداف از پیش تعیین شده خود دست یابد و در نهایت به سمت توسعه پایدار حرکت کند.

(Diergarten et al, 2017) در پژوهشی با عنوان «تأثیر سواد رسانه ای بر یادگیری کودکان از فیلم ها و رسانه ها» بیان می کنند که در ادبیات گسترده در مورد نقش رسانه های آموزشی در یادگیری کودکان و عوامل موثر بر یادگیری، تاثیر احتمالی سواد رسانه ای هنوز مورد بررسی قرار نگرفته است. تحلیلها در این پژوهش نشان داده که سواد رسانه ای یک پیش بینی کننده ی مهم در مورد یادگیری از رسانه است؛ حتی وقتی که سایر فاکتورهای مرتبط مثل هوش را در تحقیق کنترل می کنیم.

با نگاهی به پژوهش های انجام شده در موضوع دانش آموزان و شبکه های اجتماعی درمی یابیم که اکثر این پژوهش ها درباره سواد و آموزش رسانه سخن میان می آورند و هیچ کدام از توانمندسازی کاربران دانش آموز تربیت رسانه که زیر بنا و مهمتر از سواد رسانه است سخنی نگفته اند؛ به همین خاطر در پژوهش حاضر به این مهم به عنوان هدف اصلی پرداخته شد که توانمندسازی کاربر دانش آموز با رویکرد تربیتی چیست؟ تا بتوان با استفاده از فهم آن، مدلی برای توانمندسازی کاربران شبکه های اجتماعی با رویکرد تربیت رسانه ای در میان کاربران به عنوان اثر گذارترین نهاد آموزشی در حوزه دانش آموزی داشته باشیم و مدارس بتوانند با استفاده از یافته های این پژوهش تغییراتی در سبک آموزش های غیررسمی تحت امر خود انجام داده و از شبکه های اجتماعی به عنوان بازویی کمکی در تربیت استفاده کنند.

روش تحقیق

از آنجایی که هدف از این پژوهش واکاوی مولفه های موثر بر توانمندسازی کاربر دانش آموز با رویکرد تربیت مجازی به منظور لحاظ در مدیریت تربیتی و آموزشی مدارس بوده است لذا این پژوهش از نوع پژوهش های

ضروری است. این امر نیز جز با آموزش فراگیر در سطح جامعه تحقق نمی یابد. اهمیت آموزش از راه دور، از طریق شبکه های رایانه ای و ویدئو با کنش متقابل به طور روزافزونی در سطح جهان در حال افزایش است.

تقی زاده (Taghizade, 2016) در تحقیق خود با عنوان «مطالعه اثربخشی آموزش سواد رسانه ای بر دانش آموزان» بر این باور است که در عصر رسانه ای شدن جهان و در فضای همگرایی رسانه ها، تسلط بر سواد رسانه ای، لازم است. نتایج این پژوهش نشان داد آموزش سواد رسانه ای بر میزان و سطح سواد رسانه ای دانش آموزان موثر است و ورود آموزش های سواد رسانه ای به مدارس ضروری است.

طاوسی و رضوانی (Tavosi & Rezvane, 2016) در پژوهشی با عنوان «جایگاه سواد رسانه ای در نظام آموزشی کشور» ادعا می کنند که نهاد آموزش و پرورش به عنوان اولین نهاد آموزشی که فرد به عنوان عضوی از جامعه با آن آشنا می شود نقش اصلی را بر عهده دارد. در این نهاد می توان با گنجاندن واحدهای درسی در دوره های تحصیلی، زمینه را برای طرح موضوع سواد رسانه ای ایجاد کرد و در مقاطع تحصیلی بالاتر به عنوان واحد درسی به طور جدی تری به آن پرداخت. متأسفانه امروزه نه تنها این موضوع در آموزش و پرورش و دانشگاه ها مورد توجه قرار نمی گیرد بلکه حتی در رشته های دانشگاهی از جمله ارتباطات هم به آن کم توجهی شده است؛ این در حالی است که کشورهای پیشرفته برای بالابردن سواد رسانه ای در جامعه اهمیت ویژه ای برای نسل جوان قائل می شوند و آن ها را از سنین پایین آموزش می دهند.

رازقی و علیزاده (Razeghi & Alizade, 2017) در پژوهش خود با عنوان «اینترنت و جامعه پذیری مجازی نوجوانان» بیان می کنند گسترش شبکه های مجازی و اینترنت، شیوه های جامعه پذیری سنتی را با تغییرات اساسی مواجه کرده است و در سطح کلان هرچه یک جامعه در امر جامعه پذیری اعضای خود موفق تر باشد، پایداری اجتماعی بیشتری برقرار می شود و وفاق

حوزه فضای مجازی و تربیت در رشته های علوم تربیتی، مشاوره، رسانه و ارتباطات، معلمان با سابقه ی آموزش و پرورش، مربیان تربیتی، مدرسان و متخصصان مجرب در حوزه فضای مجازی، مشاوران آموزشی و تربیتی مدارس بود به صورت نظری (پس از بررسی مدارک، سوابق و نمونه کارهای اجرایی در حوزه تربیت و یا فضای مجازی توسط ایشان) برای انجام این پژوهش انتخاب شدند. بدین ترتیب یک لیست ۴۳ نفره از میدان تحقیق به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شده که ۳۱ نفر از آنها تارسیدن به اشباع اطلاعات مورد مصاحبه قرار گرفتند.

کیفی در نظر گرفته شده و با استفاده از روش نظریه ی داده بنیاد یا همان گراند تئوری به تحلیل داده های به دست آمده پرداخته شد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی طراحی شده، اجرای این پژوهش بدین ترتیب در نظر گرفته شده که در گام نخست پس از مطالعه ی عمیقی که در موضوع تربیت و فضای مجازی توسط پژوهشگر انجام شد سؤالاتی محدود جهت مصاحبه های پژوهش طراحی گردید (بزار گردآوری داده ها در این پژوهش سؤالات باز و مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با میدان تحقیق منتخب بوده است)، پس از آن میدان تحقیق پژوهش که شامل اساتید دانشگاهی خبره در

جدول شماره ۲- نمونه اطلاعات جامعه آماری مصاحبه شوندگان

ردیف	جنس	میزان تحصیلات	رشته تحصیلی	شغل
۱	زن	دکتری	مدیریت رسانه	استاد یار دانشگاه در رشته رسانه و ارتباطات
۲	زن	کارشناسی ارشد	مشاوره	مدیر مدرسه و مدرس کانون های تربیتی و فرهنگی اصفهان
۳	مرد	دکتری	مشاوره	مدیر مدرسه و موسسه آموزشی پسرانه
۴	مرد	کارشناسی ارشد	جامعه شناسی	مدرس حوزه ودانشگاه
۵	مرد	دکتری	مدیریت رسانه	معاون اداری مالی و منابع انسانی شهرداری
۶	مرد	دکتری	مدیریت فرهنگی	رییس اداره برنامه ریزی و توسعه سرمایه انسانی
۷	مرد	دکتری	مدیریت رسانه	معاون دانشگاه و مدرس کارگاه های فضای مجازی
۹	مرد	دکتری	جامعه شناسی	مدرس دانشگاه و پژوهشگر رسانه و فضای مجازی
۱۰	مرد	کارشناس ارشد	IT	دبیر مدارس تیزهوشان اصفهان در درس تفکرو سواد رسانه
۱۱	مرد	دکتری	مشاوره	دبیر دبیرستان و مسوول موسسه فرهنگی تربیتی
۱۲	مرد	دکتری	مشاوره	دبیر دبیرستان تیزهوشان و مدیر مرکز مشاوره
۱۳	زن	دکتری	علوم تربیتی	استاد یار دانشگاه آزاد خوراسگان
۱۴	زن	دکتری	علوم تربیتی	استاد دانشگاه اصفهان
۱۵	زن	کارشناسی ارشد	روانشناسی کودک	مدیر موسسه فرهنگی آموزشی و مربی کودک ونوجوان
۱۶	مرد	دکتری	روانشناسی	مدیر مرکز مشاوره و استاد تمام دانشگاه
۱۷	مرد	طلبه درس خارج	علوم قرانی	مدیر بزرگترین موسسه تربیتی دخترانه کشور
۱۸	مرد	کارشناسی ارشد	رسانه	تهیه کننده صدا و سیما و مشاور کارگردان
۱۹	زن	دکتری	علوم تربیتی	مدیر دبستان
۲۰	مرد	کارشناسی ارشد	علوم اجتماعی	کارشناس نیروی انتظامی، مدرس کارگاه های رسانه و مولف کتاب
۲۱	مرد	دکتری	علوم اجتماعی	مدرس دانشگاه امام حسین(ع)، فعال فرهنگی
۲۲	مرد	دکتری	روابط بین الملل	مدرس کارگاه رسانه و فضای مجازی
۲۳	مرد	طلبه درس خارج	علوم قرانی و حدیث	فعال فرهنگی و رییس کارگروه های تربیتی
۲۴	مرد	کارشناسی ارشد	روانشناسی بالینی	کارمند بهزیستی

۲۵	مرد	کارشناسی ارشد	مدیریت رسانه	معاون پرورشی دبیرستان پسرانه
۲۶	زن	دکتری	علوم تربیتی	استاد دانشگاه اصفهان
۲۷	زن	دکتری	مدیریت آموزشی	استاد دانشگاه آزاد اسلامی
۲۸	مرد	طلبه پایه ۱۰	فقه و علوم قرآنی	فعال تربیتی و سخنران جلسات دانش آموزی
۲۹	مرد	کارشناسی ارشد	مدیریت فرهنگی	مدیر ارشد سازمان فرهنگی و مربی تربیتی
۳۰	زن	کارشناسی ارشد	علوم تربیتی	معلم مدرسه دخترانه
۳۱	مرد	دکتری	جامعه شناسی	پژوهشگر صدا و سیما

پیامد های مثبت و منفی ناشی از عدم یا وجود پدیده ی محوری و راهبردها استخراج می گردد. جهت اطمینان از روایی و پایایی پژوهش، مصاحبه ها با بعضی از افراد چندین بار تکرار و نتایج حاصل از کدگذاری در چندین مرحله به رؤیت چند تن از اساتید مجرب و همچنین خود مصاحبه شونده ها رسید و در این بین از گروه های کانونی که متشکل از شرکت کنندگان در پژوهش بود نیز چندین بار استفاده گردید.

به طور خلاصه می توان گفت در این پژوهش جهت اطمینان از روایی داده ها، هم در حین و هم در پایان کار تحلیل داده ها، از سه روش بازبینی مشارکت کنندگان و مرور خبرگان غیرشرکت کننده و همچنین کمک و راهنمایی از گروه های کانونی استفاده شد. در جدول ۳ نمونه هایی از یافته های پژوهش مطرح شده و سایر ابعاد بدست آمده در مدل نهایی ارایه شده است.

مصاحبه هایی نیمه ساختار یافته با مصاحبه شونده گان در فضایی صمیمی، دوستانه و غیررسمی انجام پذیرفت. این مصاحبه ها به صورت مرحله به مرحله انجام گرفت؛ به صورتی که پس از مصاحبه اول و پیاده کردن متن گفتگو، سؤالات و ابهامات در خصوص موضوع بررسی گردید و با توجه به آنها مصاحبه ی بعدی صورت می گرفت. با توجه اشباع نظری پژوهشگر در دریافت داده ها، مصاحبه ها پایان یافت و مفاهیم اولیه از پیاده کردن متن مصاحبه ها استخراج و با استفاده از فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی، پدیده محوری پژوهش یعنی واکاوی مفهوم و مؤلفه های توانمندسازی کاربران دانش آموز مبتنی بر تربیت مجازی تحلیل گردید. برای روش داده بنیاد در این پژوهش از رویکرد سیستماتیک برمبنای الگوی استراوس و کوربین استفاده شده که در تحلیل داده ها؛ شرایط علی، زمینه ای، مداخله گر و

جدول شماره ۳ - دسته بندی مقوله های توانمند سازی کاربر دانش آموز

پدیده اصلی	دسته	کدگذاری محوری (مقوله های محوری)	کدگذاری باز (مفاهیم هم دسته)
توانمندسازی کاربر- تربیت مجازی	شرایط علی	ابراز نیاز عمومی در حوزه تربیت مجازی گستره فضای مجازی	-نگرانی جهانی در مورد تداخل فضای مجازی و تربیت -پیشی گرفتن و دقت غرب در تربیت مجازی -سردرگمی متولیان تربیت رسانه ای در تعریف مشکل -تقاضای مردمی برای کار بر روی بحث تربیت مجازی -فضای مجازی ابزاری تعیین کننده در زندگی های امروزی
توانمندسازی کاربر- تربیت مجازی	شرایط زمینه ای	ارتباطات مجازی	-ارتباطات افقی در شبکه های اجتماعی -ارتقا کیفیت ارتباط با کاربران -اولویت دهی به منافع جمعی -تعامل گرایی در میان کاربران -تعاملات افقی در شبکه های اجتماعی -تعاملات فکری و فرهنگی

			<p>-تعاملات نهادهای فرهنگی -جماعت آنلاین</p>
توانمندسازی کاربر- تربیت مجازی	شرایط زمینه ای	آگاهی کاربری- کاربر آگاه	<p>-آگاه سازی از حقوق کاربری -آگاه سازی از مسائل اجتماعی -آگاهی از زیرساخت های ارتباطی -آگاهی از مسایل شهری و اجتماعی -آگاهی به قوانین جهانی -آگاهی محیط زیستی -آگاهی نسبت به تهدیدات سایبری</p>
توانمندسازی کاربر- تربیت مجازی	عوامل مداخله گر	عوامل درون فردی کاربر	<p>-احساس پوچی -اولویت های کاربران -تاثیرپذیری از فرهنگ های بیگانه -تعادل بایی اعتماد و مخاطره کاربران -دامنه خطرپذیری کاربران -مقایسه پذیری موقعیت های کاربران</p>
توانمندسازی کاربر- تربیت مجازی	استراتژی ها	آموزش خودمحمور	<p>- تحلیل ومقایسه های عمیق معلم درباره محتوا -خودآموزی وخودساماندهی کاربران -هدف گذاری در تولید محتوا - ترویج شبکه های اجتماعی تخصص محور - گفتگو درباره میزان شفافیت محتوا - احساس اثربخشی</p>
	استراتژی ها	تقویت مهارت چندبعدی	<p>-مهارت تولید محتوا -مهارت فنی -مهارت استفاده صحیح -مهارت استفاده -مهارت خودابرازی -مهارت رفتاری -مهارت عملکردی -مهارت فنی -مهارت گفتگو -مهارت مشارکت -مهارت نقد -مهارت های مجازی</p>
توانمندسازی کاربر- تربیت مجازی	استراتژی ها	برنامه ریزی و تنوع گرایبی در تولید محتوا	<p>-تولید انیمیشن به منظورآموز محتوای درسی -تولید سخنان ادبی و هنری -تولید کلیپ فرهنگی -تولید محتوای تاریخی -تولید محتوای خانواده محور -تولید محتوای مذهب محور -تولید محتوای موضوع محور</p>

	استراتژی ها	ویژگی های عملکرد مجازی کاربر	<ul style="list-style-type: none"> -اعتماد به نفس در مواجهه با زندگی مجازی -تقویت شیوه های جستجوگری -قدرت استدلال در کاربران -قدرت تطابق با محتوای جدید - میزان اشتراک گذاری تجارب فرهنگی
توانمندسازی کاربر-تربیت مجازی	استراتژی ها	<ul style="list-style-type: none"> -طبقه بندی در ارایه اطلاعات -وجه تمایزات فردی 	<ul style="list-style-type: none"> -متفاوت بودن مدل تربیت مجازی با توجه به شرایط آن -کنترل محتوا تا سن ۱۴سالگی - هماهنگی با نیازها ی مخاطب و همراهی با زندگی او،مختصات مدل تربیت مجازی -داشتن برنامه رسانه ای برای دوره های مختلف زندگی - دقت و توجه به تفاوتهای فردی در آموزش مدل تربیت مجازی - رده بندی سنی، بخشی تفکیک ناپذیر از تربیت و سواد مجازی
توانمندسازی کاربر-تربیت مجازی	پیامدها	تحول رفتاری	<ul style="list-style-type: none"> -ارایه افتخارآفرینی فردی و جمعی -تقویت انگیزه برای حضوراجتماعی -شناسایی و امکان دستیابی به دانش های جدید -احساس اثربخشی -ارتقا آرامش و اطمینان کاربران -اشتراک گذاری تجارب فرهنگی -درک تفاوت پویش و جنبش اجتماعی -خودباوری کاربر -خودشکوفایی و خودگشودگی -خودکارآمدی و خودیابی اجتماعی

یافته های پژوهش

جامعه فرهنگی و فرهیخته، واگذاری نقش تربیتی عوامل دیگر تربیتی از جمله محیط و خانواده و همسالان به وسایل ارتباط جمعی، اعتیاد مجازی شدید دانش آموزان به ابزار های ارتباطی، مجازی شدن ارتباطات و تربیت و آموزش و اینکه مجازی به طرز غیرقابل حذفی، مولفه ای تعیین کننده در زندگی امروزی دانش آموزان بوده و باعث تغییرات روحی- روانی و افت های شدید درسی و بی انگیزه گی دانش آموزان در مدارس گردیده به عنوان علل به وجود آمدن پدیده محوری پژوهش یعنی واکاوی مؤلفه های توانمند سازی کاربران دانش آموز رویکردهای تربیت مجازی دسته بندی و تحلیل شد.

شرایط زمینه ای: نشان دهنده یکسری خصوصیات ویژه است که بر پدیده ای دلالت می کند (Struss and

با توجه به روش کار در نظریه داده بنیاد و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها و کدگذاری مصاحبه ها حول مقوله محوری تربیت رسانه ای در شش مقوله اصلی یعنی: پدیده اصلی، شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر، راهبردها و پیامدها(منفی و مثبت) دسته بندی شد که در ادامه به صورت مشروح ارایه شده است.

شرایط علی: عواملی هستند که باعث به وجود آمدن پدیده محوری پژوهش می گردند (Struss and Curbin,2008). در این پژوهش می توان به مشکلات موجود در سبک زندگی و تربیتی خانواده های مختلف در مدارس، عدم قدرت داشتن اصول تربیت اسلامی در

در بین خانواده‌ها و دانش‌آموزان آنها، رصد تغییرات رفتاری و روانی دانش‌آموزان به منظور کنترل رشد ذهنی و شخصیتی دانش‌آموز در مدرسه از راهبردهای استخراج شده از داده‌های این پژوهش می‌باشد.

مواردی مانند توجه‌کاربر به اهداف درونی محتواهای تولید شده در شبکه‌های اجتماعی، ارتقا مهارت استفاده از اپلیکیشن‌ها، تولید محتوا توسط کاربر، تولید محتوای موثر، کمک به ارتقا سطح فکر و فرهنگ با تولید محتوا، عدم تولید محتوای آسیب‌رسان به فرهنگ عمومی و اجتماع، تقویت توان کاربر در مواجهه با محتواهای متفاوت درباره یک پدیده اجتماعی، تولید محتوای تاییدکننده در جهت داشته‌های علمی، اشتراک‌گذاری زیبایی‌های زندگی و لذت بردن از داشته‌های کوچک، مشارکت داوطلبانه در پدیده‌ای، رعایت جنبه‌های منطقی و واقعی در اشتراک‌گذاری محتوا، ارسال و دریافت محتوا و آرایه بازخوردهای منطقی، نداشتن مانع برای تولید و دسترس به محتوا، آموزش کاربران جهت تولید محتوای صحیح، نقش تولید محتواهای مردمی بر ساختارهای جامعه، توجه به غنی‌سازی محتوا توسط معلمان، تولید محتوای نوآورانه و خلاقانه در فضای مجازی، کمک به شناسایی عوامل هدایت‌گر پشت هر محتوا، گفتگو درباره اوقات فراغت مجازی، اثرات خودابرازی کاربران، خودابرازی کاربران جهت متقاعد کردن دیگران، ارتقا نحوه و میزان خودابرازی، انتخاب و تغییرعکس پروفایل، دقت در انتخاب تصاویر قابل بارگذاری، قدرت کاربران در پررنگ یا کم‌رنگ جلوه دادن نقش و هویت خود، بروز رفتارهای مناسب جهت تولید محتوا، شکل‌گیری رفتارهای انسان‌دوستانه و جامعه‌پسند در کاربران، انجام رفتارهای فرهنگی نه فقط لایک کردن، پاک کردن پست‌های نامناسب توسط خودکاربر، قدرت تغییر و حذف اطلاعات شکل عملیاتی توانمندسازی، آشنایی با عناصر غیرتکنولوژیک مانند مقررات و اندیشه‌ها و افکار، پرهیز از ساختن و فورواردها، جوک‌های قومیتی، ارتقا توانایی استفاده از شبکه‌های اجتماعی، آشنایی با نحوه استفاده از امکانات موجود در

(Curbin, 2008). به تعبیری شرایطی که زمینه‌ساز بروز مقوله محوری می‌باشد را به شرایط زمینه‌ای یا واسطه‌ای می‌گویند؛ در این پژوهش میتوان به مفهوم و پیش‌فرض‌های تربیت، نقش و تاثیر و اهمیت سبک آموزشی مدارس بر تربیت مجازی، نقش فضای مجازی در شیوه‌های آینده آموزش و پرورش و نظام آموزشی، نقش حکومت و حاکمیت در زمینه‌های بستر ساز تربیت مجازی و نیاز کودک و نوجوان یا دانش‌آموزان متولد شده در عصر فضای مجازی به شیوه‌های توانمندسازی کاربران دانش‌آموز و رویکردهای تربیت مجازی به عنوان شرایط زمینه‌ای اشاره کرد.

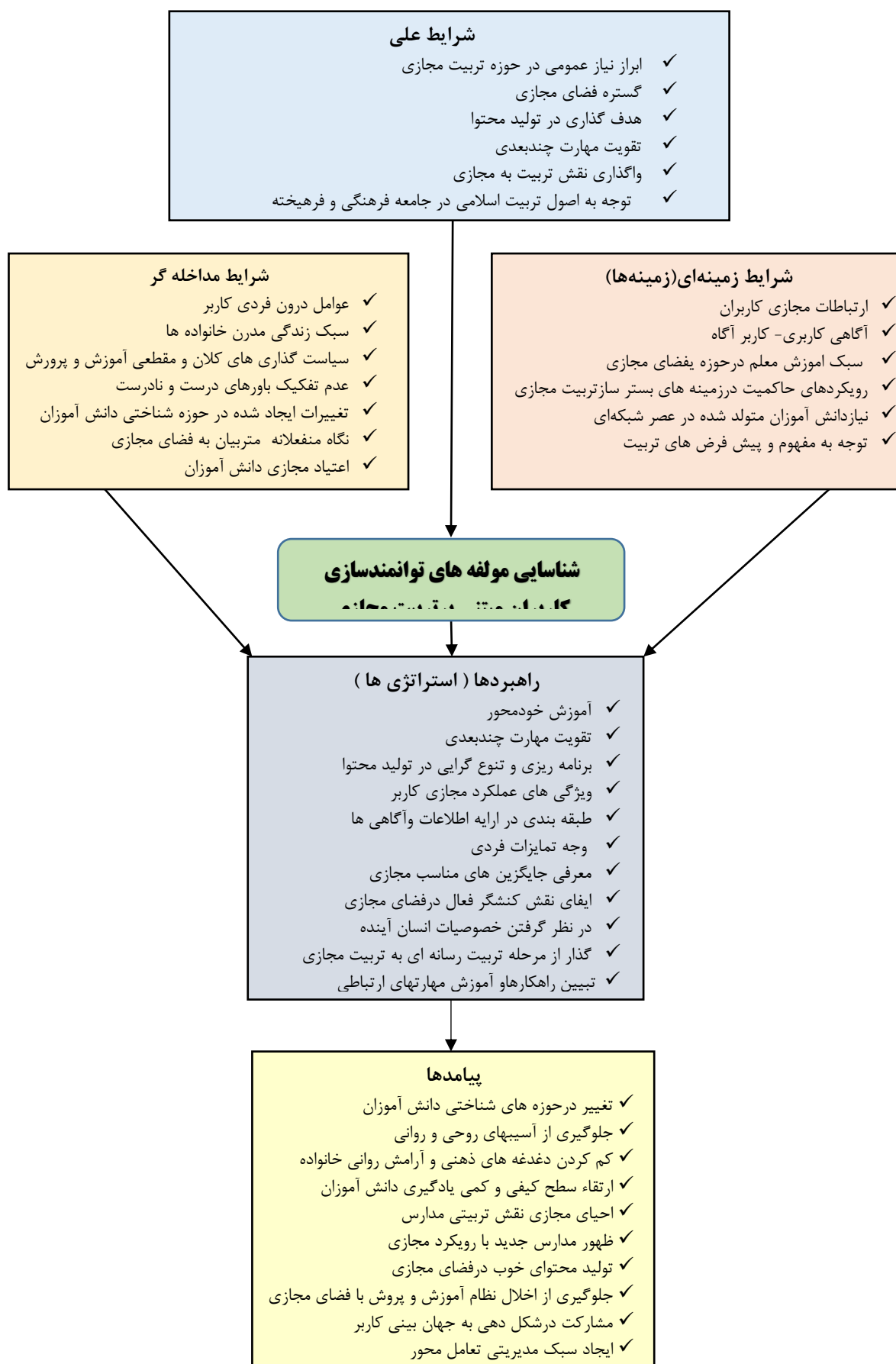
شرایط مداخله‌گر: در این پژوهش می‌توان به تأثیر سبک زندگی مدرن خانواده، سیاست‌گذاری‌های کلان و مقطعی آموزش و پرورش، باورهای درست و نادرست اجتماعی در خصوص رسانه و تربیت در بین فرهنگیان و آموزگاران مدارس، عدم فهم تغییرات ایجاد شده در حوزه شناختی دانش‌آموزان از طریق فضای مجازی، نگاه منفعلانه و متاخرانه برخی متریبیان به فضای مجازی و عوامل محیطی به عنوان شرایط مداخله‌گر نام برد.

راهبردها: اما راهبردهایی که در مدل این پژوهش به دست آمد را می‌توان این‌گونه بیان کرد؛ تقلیل جایگاه و تصور ذهنی از فضای مجازی در ذهن و زندگی دانش‌آموزان و والدین آنها (اینکه رسانه همه چیز نیست و همه چیز ما فضای مجازی نیست)، تعریف، تغییر و اولویت‌بندی مجدد کارکردهای فضای مجازی، تعریف نقش سلبریتی‌ها به عنوان گروه‌های مرجع دانش‌آموزی در مدل تربیت مجازی، ایفای نقش کنشگر فعال در فضای مجازی به دانش‌آموزان توسط آموزگاران، تعریف و تدقیق مؤلفه‌های تربیت اسلامی و لحاظ کردن نقش تربیتی فضای مجازی در مدارس و مراکز تربیتی، در نظر گرفتن خصوصیات انسان آینده (از جمله تاب‌آوری در مقابل ابهام، همزیستی با پدیده‌های نوی دنیای مجازی و...)، گذار از مرحله تربیت رسانه‌ای به مرحله تربیت مجازی به وسیله تبدیل آموزش به پرورش در مدارس، تبیین راهکارها و آموزش مهارت‌های ارتباطی

صورت صحیح اجرایی گردند و می توانند منفی باشند اگر به مقوله اصلی پرداخته نشود و راهبردهای مطرح شده نادیده گرفته شوند. در این پژوهش می توان پیامدهای مثبت و منفی این گونه بیان کرد: تغییرات منفی یا مثبت عمده در حوزه شناختی دانش آموزان و شیوه های یادگیری و آموزش، جلوگیری از آسیبهای روحی و روانی دانش آموزان در مقطع حساس بلوغ با حل تعارضات ذهنی ایجاد شده در ذهن دانش آموزان به وسیله فضای مجازی، کم کردن دغدغه های ذهنی و آرامش روانی خانواده های دانش آموزان، ارتقاء سطح کیفی و کمی یادگیری دانش آموزان در مدارس، بازگشت واحیاء دوباره نقش تربیتی مدارس، استفاده از رسانه به عنوان بازوی تربیتی مدارس نه مزاحم تربیتی دانش آموزان، ظهور مدارس جدید تربیتی با رویکردهای مجازی تربیتی، تولید محصولات خوب رسانه ای، تغییرات معانی در ادبیات نسل جدید دانش آموزان مدارس، جلوگیری از اخلال در نظام آموزش و پرورش با حضور دایمی دانش آموزان در فضای مجازی، ایجاد سبک مدیریتی تعامل محور در مدارس جدید به جای تحکم محور؛ از پیامدهای ناشی از راهبردها می باشند. داده ها و تحلیل آنها را در این پژوهش می توان به صورت مدل به شکل زیر ارائه کرد؛

شبکه اجتماعی، ارتقا مهارت فنی کاربران، رفع محدودیت های تولید محتوا از منظر تجهیزات و تخصص، آشنایی با امکانات تکنولوژیکی، توانایی تحمل تعارضات در گفتگوهای مجازی، شکل گیری گفتگوهای محترمانه در فضای مجازی، استفاده از عملکرد داوطلبانه کاربران در شبکه های اجتماعی، افزایش زمینه های مشارکت جویی کاربران در محیط واقعی، تناسب توانمند سازی با میزان و ظرفیت مشارکت، افزایش ظرفیت مشارکت، از بودن شبکه های اجتماعی برای مشارکت اعضا و دریافت بازخور، آماده سازی کاربران جهت مشارکت در گفتمان، عضویت براساس میزان مشارکت، تدوین آداب مشارکت در فضای مجازی، مشارکت در جنبش های اجتماعی مطلوب، تشخیص و مشارکت در مسائل قابل مشارکت، تسهیم اطلاعات مطلوب با سایر کاربران، توانایی اظهار نظر و نقد در گروه های جمعی و تعریف مهارت مجازی بعنوان بخشی از سرمایه فرهنگی را شامل می شود. هم چنین توجه به مواردی همانند مهارت فنی، مهارت تولید محتوا، مهارت خود ابرازی، مهارت رفتاری، مهارت عملکردی، مهارت گفتگو، مهارت مشارکت، مهارت نقد و مهارت های مجازی کاربران شود.

پیامدها: نتایج هستند که در اثر راهبردها ایجاد می شوند و می توانند مثبت باشند اگر راهبردها به



شکل ۱- مدل شناسایی مؤلفه های توانمندسازی کاربران مبتنی بر تربیت مجازی تربیت

نتیجه گیری:

تغییراتی متناسب با دنیای امروز دانش آموزان پدید آید. با توجه به این مهم پژوهش حاضر با هدف بررسی توانمندسازی کاربرانش آموزبارویکرد تربیت مجازی و استخراج مؤلفه های آن جهت استفاده متریبان انجام شد و با استخراج، بررسی و تحلیل داده های این پژوهش و کدگذاری باز، محوری و گزینشی مقوله های استخراج شده در شش مقوله اصلی یعنی شرایط علی، پدیده محوری یا همان توانمندسازی کاربروتربیت مجازی، راهبردها، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر و پیامدها تدوین و ارائه گردید.

با توجه به تحلیل داده ها از پاسخ های مصاحبه شوندهگان، شرایط علی در این پژوهش (که همان علل ترغیب و حساس شدن پژوهش گر به انجام این پژوهش بوده و باعث گردیده که برای پدیده محوری یعنی همان تربیت مجازی به دنبال مدلی باشد) بدین صورت نتیجه گیری شد؛ سبک زندگی و تربیتی خانواده های مختلف در مدارس می تواند مزید بر این علت شده و از طرفی تنبلی والدین در ایفای نقش تربیتی خود به عنوان راهبران اصلی تربیتی کودک و نوجوان می تواند اشکالات اساسی در تربیت ایجاد کند و با توجه به عدم قدرت داشتن اصول تربیت اسلامی در جامعه فرهنگی و فرهیخته و معرفی ناقص الگوهای تربیتی در رسانه ها و واگذاری نقش تربیتی محیط و خانواده و همسالان به فضای مجازی، این مواجهه با فضای مجازی را می تواند به مواجهه ای منفعل درآورد و دانش آموز را گرفتار اعتیاد مجازی شدید به ابزار های ارتباطی گرداند؛ قدرت بی منازعه فضای مجازی در مقابل بقیه عوامل تربیتی و مجازی شدن برخی آموزش ها در تربیت و آموزش می تواند علتی مهم در داشتن مدل در مقابل این پدیده نوظهور دانست، امروزه فضای مجازی مؤلفه ای تعیین کننده در زندگی دانش آموزان می باشد و باعث تغییرات روحی- روانی و افت های شدید درسی و بی انگیزگی دانش آموزان در مدارس شده است؛ این علل باعث شده تا بحث توانمندسازی کاربروتربیت مجازی به عنوان موضوعی اساسی و ضروری در تربیت دانش آموزان درآید

دنیای مجازی جهان امروزی موضوع تربیت دانش آموزان را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده و نگرانی های بسیاری برای خانواده ها پدید آورده است. گسترش رسانه های دیجیتال و فضاهای مجازی بدون فرهنگ سازی و آمادگی ذهنی قبلی تا حدودی در فرهنگ جامعه اسلامی تأثیرگذار بوده و امروزه به یکی از دغدغه های بزرگ خانواده ها و مجامع فرهنگی دلسوز تبدیل شده است (Norouzi et al, 2017).

اما باید توجه داشت که فضای مجازی محیط بی مرزی است که فقدان نکات تربیتی در کنار آن و بی توجهی به امر تربیت فرزندان، به ویژه تربیت دینی و اخلاقی آنان می تواند بحران های عدیده ای به وجود آورد و باعث تشدید تضادهای اجتماعی شود. فناوری های اطلاعاتی به دلیل نفوذ در ابعاد مختلف، سبک زندگی جامعه را تحت تأثیر قرار داده، الگوی اوقات فراغت را به ویژه در رده های پایین تر سنی متحول کرده و راه های دسترسی به اطلاعات و دانش را جابه جا کرده اند (Shahjafari et al, 2015)

در این بین واگذاری تربیت به فضای جهان دوم نه تنها کمکی به تربیت دینی و اجتماعی کودکان و نوجوانان نخواهد کرد بلکه چالش هایی را نیز به وجود خواهد آورد؛ مگر اینکه راهکارهای مناسبی برای آسیب زدایی از محیط مجازی در عرصه تربیت اندیشیده شود (Norouzi et al, 2017)

اما با همه این احوال فضای مجازی به عنوان عضوی از خانواده های امروزی شده است و نه تنها باید به عنوان عضوی تأثیر گذار در تربیت از آن نام ببریم بلکه باید در آینده ای نه چندان دور آنرا به عنوان یک تربیت کننده مستقل برای نسل جوان و نوجوان به حساب آوریم؛ پرورش "جوانان آگاه، مسؤولیت پذیر، سالم، متعهد و فعال" که در سند تحول آموزش و پرورش هم بدان اشاره شده مستلزم واقع بینی نسبت به فضای مجازی در نهادهای آموزشی از جمله مدرسه می باشد که بر همین اساس باید در سبک تربیتی و مدیریتی مدارس نیز

و محققان به این نتیجه برسند که لازم است برای مواجهه‌ی فعال با این پدیده‌ی نو در زندگی دانش‌آموزان مدلی ارایه کرد؛ تا هم بتوان مشغولیت‌های ذهنی دانش‌آموزان و والدین آنها را جواب داد و هم معلمان و مسولان مدارس بتوانند با تغییر در سبک عملکرد، همچنان جایگاه مدارس را به عنوان نهادی تأثیرگذار در امر تربیت حفظ نمایند.

شرایط زمینه‌ای که بر پدیده اصلی دلالت می‌کنند، در این پژوهش بدین گونه‌اند که مدارس و عملکرد مسئولان آنها به عنوان تأثیرگذارترین نهاد آموزشی در تربیت ضروری است. چرا که نیاز کودک و نوجوان متولد شده در عصر مجازی هم آموزش است و هم تربیت و این مهم با توجه به نقش حکومت و حاکمیت در بستر سازی برای تربیت مجازی زمینه را برای شناسایی راهبردهای توانمندسازی کاربرانش اموزبا توجه به تربیت مجازی فراهم می‌آورد.

در این بین شرایط مداخله‌گری هست که می‌تواند بر راهبردها اثر بگذارد و سرعت تحقق آنها را کم یا زیاد نماید؛ تأثیر سیاستهای غلط مربیان و مراکز تربیتی از جمله مدارس و معلمان و مدیران و همچنین سیاست‌های کلان و در پاره‌ای از موارد مقطعی و منفعلانه در آموزش و پرورش به عنوان دو عامل مهم در سطح جامعه می‌تواند فرایند تربیت مجازی دانش‌آموزان در مدارس را مختل کند و زمینه‌های توانمندسازی کاربران را محدود می‌کند و باعث شود جایگاه مدارس در نظام تربیتی نزد دانش‌آموز و والدین خدشه دار گردد. در این بین عدم فهم تغییرات ایجاد شده در حوزه شناختی دانش‌آموزان توسط رسانه، نگاه متأخرانه برخی متریبان به فضای مجازی می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به کاربران دانش‌آموز این بحث بزند.

با توجه به راهبردهای ارایه شده در این پژوهش باید تقلیل جایگاه و تصور ذهنی از فضای مجازی در ذهن و زندگی دانش‌آموزان و والدین آنها (اینکه فضای مجازی همه چیز نیست و همه چیز مافضای مجازی نیست) صورت پذیرد تا دانش‌آموز همه زندگی خود را در فضای

مجازی خلاصه نکند.

در حوزه سیاست‌گذاری کارکرد های مجازی مجدداً تعریف، تغییر و اولویت بندی گردد، قوانین معقولانه و مستحکم چه در حوزه استفاده از ابزار و چه کار در فضای مجازی وضع گردد، در مدارس دانش‌آموزان را کنشگرانی فعال در حوزه مجازی بدانند تا مصرف‌کنندگانی منفعل؛ با همین رویکرد به آنها نقش بدهند و از آنها محصول مجازی بخواهند.

معلمان و والدین در نقش رهبران فکری دانش‌آموزان باید با طبقه بندی در ارایه اطلاعات، آگاهی‌ها و مهارت‌های تربیتی در فضای مجازی، دقت در تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و عدم تقدس‌گرایی در تربیت صحیح مجازی، تعریف و تدقیق مؤلفه‌های تربیت اسلامی و لحاظ کردن نقش تربیتی مجازی در مدارس و مراکز تربیتی، در نظر گرفتن خصوصیات انسان آینده (از جمله تاب‌آوری در مقابل ابهام، همزیستی با پدیده‌های نو دنیای مجازی و...)، گذار از مرحله تربیت رسانه‌ای به مرحله تربیت مجازی به وسیله تبدیل آموزش به پرورش در مدارس، تبیین راهکارها و آموزش مهارت‌های ارتباطی در بین خانواده‌ها و دانش‌آموزان آنها، رصد تغییرات رفتاری و روانی دانش‌آموزان به منظور کنترل رشد ذهنی و شخصیتی دانش‌آموز در مدرسه بتوانند مسیر رسیدن به تربیت مجازی صحیح را هموار کنند.

در صورتی که این راهبردها به اجرا درآیند متناسب با نحوه صحیح و یا ناصحیح بودن اجرا می‌تواند دارای پیامدهایی مثبت یا منفی گردد؛ تغییرات منفی یا مثبت عمده در حوزه شناختی دانش‌آموزان و شیوه‌های یادگیری و آموزش، جلوگیری از آسیب‌های روحی و روانی دانش‌آموزان در مقطع حساس بلوغ با حل تعارضات ذهنی ایجاد شده در ذهن دانش‌آموزان به وسیله فضای مجازی، کم کردن دغدغه‌های ذهنی و آرامش روانی خانواده‌های دانش‌آموزان، ارتقاء سطح کیفی و کمی یادگیری دانش‌آموزان در مدارس، بازگشت و احیاء دوباره نقش تربیتی مدارس، استفاده از فضای مجازی به عنوان بازوی تربیتی مدارس نه مزاحم تربیتی دانش‌آموزان،

- (2021): 1-8.
- Hashemi, Sh. (2015). *Review of Media Role in Educational System of Document on Fundamental Reforms in Education: Emphasis on Necessity of Media Literacy Education*. *Rasaneh*, 25(4), 5-18.
- Hosein Zade, A., & Mouhammadi, M. (2010). *Media literacy, the necessity of today's world*. *kolliyat*, 45-58.
- jafari. (2018). *Islamic Education*. Tehran: Allameh Jafari.
- Katharina Diergarten. Anna, Möckel. Nieding, Gerhild. Ohler, Peter. (2017). *The impact of media literacy on children's learning from films and hypermedia*. *Journal of Applied Developmental Psychology*. Pages 33-41.
- Kaur, P., Islam, N., Tandon, A., & Dhir, A. (2021). *Social media users' online subjective well-being and fatigue: A network heterogeneity perspective*. *Technological Forecasting and Social Change*, 172, 121039.
- livingtone, Sonia (2010). *Media Literacy and the Challenge of New Information and Communication Technologies*. Published online. Pages 3-14.
- Li, Jianjun; Dai, Yonghui; Shi, Qinghua; Xian, Jin (2020). Study of situation awareness of cultural security based on social media analysis. *International Journal of Distributed Sensor Networks*, 16(1), 155014772090360-. doi:10.1177/1550147720903604.
- Mahdi Zade, M. (2017). *Media Theories* (6 ed.). Tehran: Hamshahri.
- Mehrani, E. (2018). *Media or other parents* (13 ed.). Isfahan: Fahm.
- Mo'tamed Nejad, K. (2012). *Mass Communication*. Tehran: Allameh Tabatabaei University.
- Norouzi, M., kazemi, A., Shahmoradi, S. (2017). Strategies for Religious Training in Cyberspace with an Emphasis on the Quranic Teachings and Imam Reza's Traditions. *Journal of Razavi Culture*, 5(19), 177-211.
- ظهور مدارس جدید تربیتی با رویکرد مجازی، تولید محصولات خوب در فضای مجازی، تغییرات معانی در ادبیات نسل جدید دانش آموزان مدارس، جلوگیری از اخلال در نظام آموزش و پرورش با حضور مجازی، جلوگیری از تغییر نگرش نسبت به مفاهیم اساسی زندگی و اعتقادی دانش آموزان، ایجاد سبک مدیریتی تعامل محور در مدارس جدید به جای تحکم محور؛ از پیامدهای ناشی از راهبردها می باشند.

منابع

- Bagheri, K. (2016). *A Look at Islamic Education* (41 ed.). Tehran: Borhan, 44-45.
- Bakhshi, B., Khorsan, M., Hoseini dana, H., Dadjoi tavakoli, S. (2014) *The consequences study of new communication technologies on the Learning Process*. *Media Studies*, 9(25), 139-150.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory* (3rd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage
- Dadgaran, M. (2017). *The Basics of Mass Communication* (5 ed.). Tehran: Morvarid.
- Eltantawi, N. & Wiest, J. B. *Social Media in the Egyptian Revolution: Reconsidering Resource Mobilization Theory*, *International Journal of Communication*. 2011;(5): 1207-1224
- Eslamieh, F., oladian, M., Safari, M. (2019). *Conceptual Design of Green Schools in Iran*. *Journal of School Administration*, 7(2), 60-81. *Journal of School Administration*
- Farmahini farahani M, Rahnama A, Rezvankhah S. *Vocational Education from A`eme Athar viewpoint*. *TLR*. 2010; 1 (42) :251-270
- Gharaee, A. (2018). *Sociology of Education*. tehran: Abjad.
- Gangwani, Sanjeevni; Alruwaili, Norah; Safar, Sarah A L. (2021). *SOCIAL MEDIA USAGE AND FEMALE EMPOWERMENT IN SAUDI ARABIA*. *Academy of Strategic Management Journal*; Arden Vol. 20, Iss. 4,

- Psychology, 42, 70-83
- Sobhanejad Mehdi, Afshar Abdollah, Rezai Zarchi Reza. *The Pathology of Religious Education in the Age of Globalization and its Dynamic Interaction Strategies*. Teaching and learning research. 2010; 1 (42): 271-292
- Taghizadeh, A. (2018). *The Effectiveness of Training Media Literacy on Students in Kerman*. Communication Research, 24(92), 153-174.
- Tavosi, R. (2016). *The status of media literacy in the educational system*. First National Conference on planning and development of the educational system (p. 10). Qom: Payam Noor university.
- The Internet and Virtual Socialization of Adolescent Students A Case Study of High School Students in Sari, Mazandaran, Iran*). scds. 2017; 5 (4) :9-41
- The Internet and Virtual Socialization of Adolescent Students A Case Study of High School Students in Sari, Mazandaran, Iran*). scds. 2017; 5 (4) :9-41
- Rahman zadeh, S. (2010). *Functions of Virtual Social Network In Globalization Period*. Strategic Studies of public policy, 1(1), 49-78
- Saeid, z., & Farahani, M. (2012). *The effect of media on education and development of children and adolescents*. Promotional training, 39-62.
- Sarmadi, M. (2015). *The Educational Role of the Media in Contemporary Education Based on the Postmodernist Philosophical Perspective*. 11th Iranian E-Learning Conference (p. 35). Tehran: School of Distance Education.
- Sarokhani, B. (2016). *Sociology of Communication* (31 ed.). Tehran: Ettelaat.
- Shahjafari, T., Ebrahimabadi, H., Rezaei, M., Ebrahimzadeh, I. (2015). *Pattern of Internet Usage in Planning after-School Programs*. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 7(2), 127-147. doi: 10.7508/isih.2015.26.006
- Simpkins, S. D., Davis-Kean, P. E., & Eccles, J. S. (2006). *Math and science motivation: A longitudinal examination of the links between choices and belief*. Developmental